

محلی برای بیان دیدگاه‌های صاحب‌نظران در قالب یک پرسش از آنان است. بدین گونه سعی می‌شود در مورد یک موضوع مشخص به صورت کوتاه و مفید، نظرات مختلف ارائه شود. تضارب آرا و اندیشه در مجالی کوتاه، هدف این بخش از ماهنامه است. با تشکر از بزرگوارانی که به پرسش ما پاسخ دادند.

آیا معماری امروز ایران محصول انقلاب اسلامی است؟

ietessam@hotmail.com

ایرج اعتصام / استاد دانشگاه تهران

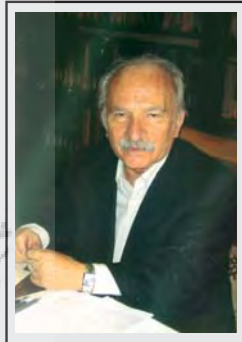


آنچه از شعارهای اصلی انقلاب در بوسترها به خاطر ام است، مطلبی از «آیت‌الله بهشتی» است که می‌گوید: «انقلاب ما انقلاب ارزش‌هاست». شور و شوق انقلابی معماران جوان در آن زمان می‌توانست با تجزیه و تحلیل مستمر این شعار و سایر ایده‌آل‌های انقلاب، راه تازه‌ای از نحوه تعلیمات معماری را ارائه دهد؛ که در تئوری و عمل حرف تازه‌ای در طراحی و اجرا داشته باشد. متأسفانه جنگ هشت ساله ایران و عراق، اولویت‌ها را تغییر داد. بدیهی است در زمان جنگ، مسئله اصلی نجات مملکت بود، نه نجات تئوری و طراحی معماری! کما این که بسیاری از دانشجویان و مربیان دانشگاهی نیز راهی جبهه‌های جنگ شدند. در این بین تغییراتی که در برنامه معماری تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» صورت گرفت؛ نارسا، عجولانه و تابع احساسات بود که نتیجه آن افزایش بی‌رویه تئوری و کم شدن حجم طراحی شد و این صرفاً یک جایجایی نامناسب بود، نه متکی بر مفاهیم و ایده‌آل‌های انقلاب.

بعد از خاتمه جنگ و آغاز بازسازی‌ها (دوران سازندگی)، ساخت‌وسازهای شهری اعم از بخش دولتی و بخش خصوصی سرعت گرفت، ولی نه با آن دیدگاه‌های انقلابی مورد انتظار، بلکه با تقلید بی‌کیفیت از نمونه‌های خارجی که از طریق مجلات خارجی و اینترنت در دسترس معماران قرار می‌گرفت. در این زمینه بخش عمده‌ای از جامعه شهری «تازه به دوران رسیده» نیز با کمک شهرداری‌های «تراکم فروش» و «عملکرد فروش» ساختمان‌هایی را ایجاد کرده‌اند که در بسیاری از موارد اسباب خجالت معماران و شهرسازان ایرانی است. ولی آنچه در مقابل این ناملازمات باعث خوشنودی است، بیداری وجدان معماران جوان ایرانی در تمام سطوح تئوری و عملی معماری است. رشد فزاینده پژوهش و علاقه‌مندی معماران به امر پژوهش، چه به صورت شرکت در دوره‌های دکترای دانشگاهی، کارگاه‌های تخصصی و چه به صورت ارائه مقالات در مجلات تخصصی داخلی و خارجی، شرکت در مسابقات داخلی و بین‌المللی معماری و بالاخره تلاش موفق در خلق تعدادی آثار معماری که خصوصیات و پیام‌های ارزشمند معماری ایرانی-اسلامی را منعکس کرده‌اند، زمینه‌های بسیار امیدبخشی است که بدون تردید باید تشویق و ترغیب شوند.

mansourfalamaki@hotmail.com

محمدمنصور فلامکی / استاد دانشگاه تهران



هر آینه به معنای گسترده و ژرف معماری بنگریم و گونه‌گونی‌های اقلیمی زاده‌گام‌هاش در پهنه ایران را از یاد نبریم، خواهیم توانست ویژگی‌های آفرینش آن راه، هم در طول سه دهه‌ای که تجربه کرده‌ایم و هم در پایان این دوره تاریخی بهتر بازشناسیم. در این باب، شناخت گونه‌گونی اقلیمی‌های فرهنگی ایران زمین از یک سوی و دگر شدن شرایط تولید معماری، که پیوسته نو می‌شود، از سوی دیگر، صورت مسئله‌ای پر قدر به دست می‌دهد.

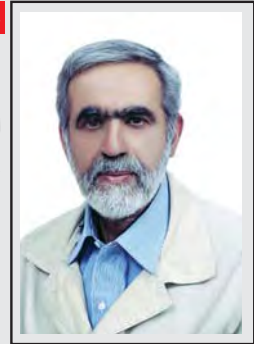
معماری، به مثابه فراورده‌ای که بر اخلاق و بر فرهنگ انسان‌ها متکی است و معماری به مثابه پدیده‌ای که برای زاده‌شدن‌اش بذری لازم است و برای پروراندن‌اش باید تغذیه شود، می‌تواند مورد سنجش و ارزیابی ما قرار گیرد تا هر آینه لازم باشد، شرایط بذرافکنی و پرورش آن راه، به قصد متعالی کردن دگرگون کنیم.

پس از گذار از دورانی سی‌ساله که هیچ روزا‌ش از دگرگونی‌های کمی و کیفی به دور نبوده است، هم جو اجتماعی و فرهنگی کشور و هم شهروندانی که با فراورده‌های معماری سر و کار دارند، نه به زبان و بیان معماران، بل به کلامی که خاص خود آنان است و به دور از تکلف، کوتاه‌بینی، سطحی‌نگری و بردباری‌هایی که نه مقبول‌اند و نه می‌توانند زاده تقدیر دانسته شوند... همان پرسشی را مطرح می‌کنند که مدیریت محترم «منظر» به میان آورده است: تأثیر گام تاریخی بزرگی که ایرانیان با انقلاب اسلامی برداشته‌اند، در آفرینش معماری چگونه است؟ که این پرسش چندان بجاست که متکی بر خیراندیشی.

گامی که برداشته شد، چندان قدرتمند بود و ریشه‌های عمل می‌کرد که انقلاب نام گرفت و نمی‌توانست به مسئله‌ها و نیازهای مردمان، هم‌زمان، پاسخ‌گویی نکند. که از جمله این مسئله‌ها و نیازها، فضای ساخته نیز بود: هم در مقیاس فردی و هم در مقیاس اجتماعی، تولید معماری باید راهی متعالی را پیش می‌گرفت. هم مدرسه‌های معماری و هم دستگاه‌های اجرایی کشوری باید راهی نو را تعریف و پیگیری می‌کردند؛ که این، امری مقدس دانسته می‌شد و به همین جهت نیز بود که معماران ایرانی برجسته‌ای، در مقیاس‌هایی متسلسل و در مسئولیت‌پذیری‌هایی توانمند، همراه و همدل‌اش شدند. کسانی، طرح مسئله کردند و به مدیریت مشغول شدند؛ کسانی، به امور اجرایی طرح‌هایی پرداختند که نو بودند و برای کشور حیاتی؛ کسانی، به تولید مواد و مصالحی پرداختند که شکل قدیمی و کهنه نداشتند و باید به ساختن فضایی نوپرداز کمک می‌کردند؛ کسانی، به امور آموزشی و به پژوهش‌هایی پر قدر در باب معماری و شهر پرداختند؛ کسانی، به تدریس معماری مشغول شدند؛ کسانی نیز به تولید نوشتارهایی پرداختند که، بدون آنها، مدرسه‌های کشور تغذیه علمی و فنی نمی‌شدند.

و در کنار اینها، هم سازمان‌هایی نو تشکیل شدند و به امور معماری پرداختند و هم - پرشمار - همایش‌ها و کنگره‌های معماری برپا شد تا مگر خرد جمعی را به قدری والا تر برند.

امروز، ارائه نظری به کمال سنجیده و به نتایجی متقن رسیده در باب چگونگی‌های ارزشی معماری معاصر ایران، امری چندان ضروری است که دشوار. در این راه، تلاشگران عاشق به ترفیع بار ارزشی معماری معاصر ایران، در فاصله میان «دگر خواستن» و «دگر ساختن»، متعهدند.



برای بحث در این موضوع باید جایگاه اسلام به عنوان یک مکتب الهی و توحیدی، نسبت آن را با انقلاب اسلامی و آن گاه با معماری و همزاد آن شهرسازی تشریح شود.

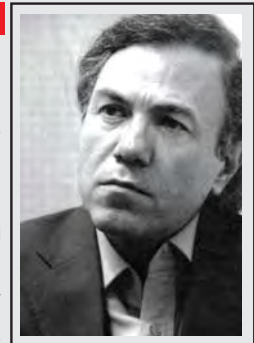
اسلام در حوزه نظر، همه حقایق عالم هستی را بیان نموده و در حوزه عمل آزادانه و اختیاری انسان نیز با بیان (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) و (وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا) ^۱، با ارائه معیارهای راهبردی و اصول زیبایی شناسی جامع و مانع، ساختاری برای فلسفه هنر، نقد و ارزیابی آثار عملی انسان از جمله معماری و شهرسازی ارائه کرده است. اسلام در حوزه نظری، مطلق گرا و در حوزه عمل با توجه به مجموع شرایط موجود، نسبی گراست.

در حوزه معماری و شهرسازی نیز، اگر بپذیریم «تا دانشگاهها اصلاح نشود، کشور اصلاح نخواهد شد» ^۲ باید گفت، متأسفانه هنوز برنامه‌های آموزشی ایران الگو گرفته از کشورهای غربی است و محتوای درس، ترجمه مطالب آن‌ها و روش تحقیق نیز، تحت تأثیر رویکردهای شک‌گرایی و نسبی‌گرایی (لائسیسته و سکولاریسم) در حوزه معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است. این رویکردها در مجموع مغایر با دیدگاه اسلامی است. در نتیجه:

- ۱- از بعد نظری و محتوایی، از تلاش‌های صادقانه برخی از اساتید متعهد که بگذریم، هنوز محتوای درس معماری اسلامی نشده است. بنابراین در سطح جامعه و مراکز تصمیم‌گیری و مشاوران نیز، ارزش‌های پایدار اسلامی هنوز حاکم نشده است و نیاز به تغییر بنیادی در برنامه‌ریزی آموزشی، محتوای درس، اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه داریم.
 - ۲- در بعد عملی و تجربی، اگر از آثار برجسته برخی از معماران بگذریم، معماری ما هنوز مقلد است و از بعد تکنولوژی و فناوری عقب مانده، اما از بعد توسعه کمی و عدالت اجتماعی، یعنی ایجاد حداقل‌ها برای حداکثر افراد جامعه چه در معماری و چه در شهرسازی چه در بعد آموزش و چه در بعد ساخت‌وساز اقدامات وسیعی صورت پذیرفته است. باید توسعه کمی ساختمان‌سازی به ویژه افزایش سرانه‌های خدمات عمومی در کنار اصلاح کیفی آن تداوم داشته باشد و توسعه کمی آموزش معماری به ویژه در مقطع کارشناسی به نفع تحصیلات تکمیلی و گرایش‌های تخصصی محدود شود.
 - ۳- شرایط تاریخی ایجاب می‌نماید که در یک برنامه استراتژیک، ساختار آموزش معماری و شهرسازی ما به صورت بنیادین اصلاح و دگرگون شود تا به تدریج آثار مطلوب کمی و کیفی آن در ارتقاء دانش مدیران اجرایی و مهندسان مشاور و اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه و در شأن انقلاب اسلامی به ظهور رسد.
- بدیهی است، برای یک تحول بنیادین و تاریخی در حوزه فلسفه هنر، معماری و شهرسازی علاوه بر ایمان‌های قوی و همت‌های بلند، آماده نمودن زیرساخت‌های لازم به ویژه در حوزه شهرسازی و خدمات عمومی، اجتناب‌ناپذیر است.

پی‌نوشت

- ۱ - سوره ۹۹: الزلزله، آیه (۸۷): " پس هر کس ذره‌ای کار خیر انجام دهد نتیجه آن را می‌بیند و هر کس ذره‌ای کار بد انجام دهد نتیجه آن را می‌بیند "
- ۲ - سوره ۴۶: الأحقاف، آیه (۱۹): " و برای هر کدام از آنها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند "
- ۳ - فرازی از فرمایشات امام راحل (ره)



حیات و تحول معماری به عنوان یک هنر کاربردی، به عوامل و پدیده‌های متنوعی مانند دانش حرفه‌ای، روش‌های اجرایی، امکانات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مناسب و همچنین نگرش‌ها و رویکردهای فرهنگی و هنری حاکم بر جامعه، دیدگاه تصمیم‌گیران، افراد و نهادهای سرمایه‌گذاری‌کننده در عرصه طراحی و ساخت مجموعه‌ها و مراکز بزرگ معماری وابسته است. زیرا معماری از هنرهایی نیست که هنرمند به تنهایی بتواند آثار خود را خلق کند و برای ساخت آثار بزرگ به سفارش‌دهنده متکی است. هنوز در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله ایران، نهادهای دولتی و عمومی از بزرگ‌ترین سازندگان مجموعه‌ها و مراکز معماری است.

احیای هنرهای اسلامی را می‌توان مهم‌ترین پدیده‌های دانست که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت و بازتاب آن در معماری به چند صورت منتجی شد. در وهله نخست، برخی برای دست‌یابی به نوعی معماری مناسب با فرهنگ اسلامی، به بعضی از ویژگی‌های آن مانند درون‌گرایی و محرمیت، که در پی زندگی شهری و به خصوص در پی آپارتمان‌نشینی مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود؛ عنایت نشان دادند و عرصه واحدهای مسکونی، محله‌ها و عرصه‌هایی را برای طراحی و ساخت واحدهای کم‌ارتفاع، دارای حیاط و مستقل در نظر گرفتند. برای اجرایی شدن این ایده، زمین‌های حاشیه و یا درون شهرها را به قطعه‌های کوچک تقسیم و به متقاضیان واگذار کردند. این راه‌حل پس از حدود یک دهه منجر به توسعه و گسترش سطح بسیاری از شهرها و در پی آن دشواری خدمات‌رسانی به نواحی تازه‌ساخت شد و به تدریج تعدیل شد. بلندمرتبه‌سازی و انبوسازی دوباره مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد در این زمینه نیز در مواردی اشتباه‌هایی صورت گرفته است.

در عرصه طراحی و ساخت مجموعه‌های بزرگ فرهنگی و عمومی نیز تحولاتی صورت گرفت و به بعضی از عناصر معماری ایرانی مانند حیاط مرکزی، طاق و قوس و بعضی مصالح سنتی مانند آجر، کاشی و برخی تزئینات مانند کاشیکاری و کاربردی روی آورده شد. البته گرایش به معماری ایرانی از دهه پنجاه در معدودی از طرح‌ها و مجموعه‌ها پدید آمد و به شکل‌گیری شمار معدودی از آثار معماری منجر شد که غالباً ارزشمند ارزیابی می‌شود.

طراحی و ساخت آثار متعددی با توجه به خصوصیات معماری ایرانی طی دهه اول و دوم انقلاب صورت گرفت. اما به سبب آنکه رویکردهای موجود بیشتر جنبه شکلی داشت و پشتوانه‌های کافی نظری و فکری نداشت و از جنبه خلاقیت و نوآوری بهره‌مند نبود؛ به تدریج از سوی بسیاری از معماران و حتی کارفرمایان کنار گذاشته شد و در همین دوره آثار متعددی اجرا شد که نه تنها از فرهنگ اسلامی در آنها اثری دیده نمی‌شود، بلکه گاه ساده‌ترین اصول و نشانه‌های معماری ایرانی نیز در آنها به کار گرفته نشده است. از نمونه‌های شاخص این آثار، ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی و ساختمان فرودگاه بین‌المللی امام خمینی است.

تاکنون چند مرتبه مسئولان عالی کشور خواستار اعتلا و توسعه مهارت‌های معماری و شهرسازی اسلامی و ایرانی شده‌اند و هر بار نیز فعالیتهایی صورت گرفته، اما به نظر می‌رسد هنوز به نتیجه مطلوبی دست نیافته‌ایم. شاید بتوان ضعف نظریه‌پردازی را یکی از مسائل مهم این زمینه به شمار آورد. تا زمانی که سازمان‌ها و نهادهای علمی، آموزشی و فرهنگی کشور به صورت برنامه‌ریزی نشده برای این موضوع سرمایه‌گذاری کافی انجام ندهند و در کنار فعالیتهای و برنامه‌های روزمره، به مباحث کیفی به شکلی مناسب نپردازند، این موضوع به نحوی که از یک سو پاسخگوی نیازهای فرهنگی کشور باشد و از سوی دیگر با تحولات و پیشرفت‌های معماری در عرصه جهانی سازگار باشد، حل نخواهد شد.

چنانچه معماری هر دوره تاریخی را با زتاب دو رویکرد محتوایی و شکلی در بستر اجتماعی - فرهنگی آن دوره تصور نماییم، تقابل بین مفاهیم محتوایی (Content) و شکلی (Form) منجر به ظهور سبک و گرایش معماری شده که همواره حاصل غلبه یکی از این مفاهیم بر دیگری بوده است؛ ذهنی (Subjective) و یا عینی (Objective).

معماری مدرن غلبه شکل بر محتوا، معماری سنتی تأثیرپذیر شکل از محتوا، معماری پایدار در آمیختگی شکل و محتوا و معماری پسامدرن تأکید بر مفاهیم محتوایی بر کالبد فیزیکی (Morph) که منجر به زمینه‌گرایی و بستر اجتماعی - فرهنگی شکل‌گیری اثر معماری می‌شود را در برمی‌گیرد.



تقارن زمانی انقلاب اسلامی با گرایشات پست‌مدرنی، در جهان که تأکید بر الگوها، مفاهیم محتوایی و زمینه‌های فرهنگی تاریخی معماری بومی هر منطقه دارد؛ با توجه به پشتوانه تاریخی بارز در ایران توانست بستر اجتماعی و زیباشناسی مناسب و متأثر از شرایط جهانی منطبق با الگوهای معماری سنتی را پایه‌گذاری نماید که به تدریج با ظهور گرایش‌های جدیدتر معماری معاصر در غرب انسجام این گرایش معماری به آشفتگی منجر شد. از سوی دیگر با توجه به شرایط اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور، دانش کالبدی معماری که سازه، مصالح و تکنولوژی ساخت داخلی است، نتوانست خود را مقیاس بین‌المللی مطرح نماید. لذا شاهد شکل‌گیری ایده‌های عالی معماری با مبانی نظری قوی بودیم که در مرحله طرح باقی ماند و یا آنچه که به اجرا درآمد با ایده اصلی طرح فاصله داشت. به طور کلی شاید بتوان سه دهه اخیر تاریخ معماری معاصر ایران را به سه حرکت عمده معماری نسبت داد:

- ۱- رواج معماری سنتی با تأکید بر بازخوانی محتوایی عناصر معماری سنتی و اسلامی ایران متأثر از متدولوژی و رویکرد هنری - فلسفی معماری پسامدرن در غرب.
- ۲- افول گرایش‌های شکلی یا محتوایی به معماری تاریخی و اسلامی کشور به دنبال شروع کار معماران نسل اول پس از انقلاب با گرایش‌های تئوری قوی و عدم دسترسی به امکانات اجرایی و ساخت معاصر جهان که منجر به خلق آثار معماری بعضاً با ارزش همخوان با گرایش‌ها و تئوری‌های معاصر در جهان گردیده است.
- ۳- تأثیر موضوعات اقتصادی - اجتماعی دهه اخیر بر مراکز آموزشی و دفاتر معماری که باعث شکل‌گیری مدارس معماری با رویکرد انتفاعی و با عناوین گوناگون در دورافتاده‌ترین شهرستان‌ها و با کیفیت نازل آموزشی بوده است که حاصل آن افزایش طراحان معماری کم‌کیفیت است و بازتاب آن طراحی‌های ضعیف توسط دفاتر معماری این نسل است که هیچ ارتباطی با ارزش‌های معماری سنتی و اسلامی ایرانی که ریشه در تحولات فرهنگی - اجتماعی دهه اول انقلاب اسلامی داشته، ندارد و صرفاً در پی منافع مادی قراردادهای طراحی و فارغ از جنبه‌های تئوری و آکادمیک در سطح جهانی است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، معماران ایرانی تحت تأثیر دو پدیده موازی قرار گرفتند. اولین آنها، اندیشه‌ها و کارهای ساخته شده معماران قبل از انقلاب اسلامی بود که سودای آشتی دادن معماری مدرن با سنت و فرهنگ ایرانی را در سر می‌پروراندند؛ دومین جریان تأثیرگذار، که ریشه در تمدن و فرهنگ غرب داشت، و از جریان اول نیز پُرنگ‌تر و تأثیرگذارتر بود، آشنایی معماران ایرانی با جنبش پست‌مدرن کلاسیسیسم (پومو)، که بین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در معماری اروپا و آمریکا شکل گرفته، و جریانات معماری پست‌مدرنیته در دهه ۹۰ میلادی بود.



معماران بعد از انقلاب اسلامی سعی در سوق دادن معماری ایران به سوی هویتی آزاد داشته‌اند و در مواردی، عمدتاً کارهای معماران قبل از انقلاب اسلامی به خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران، در راستای میراث فرهنگی و معماری خودی بوده است. ولی این نکته را نباید فراموش کرد که عمده تب معماری دو دهه بعد از انقلاب، همانا اندیشه‌ها و کارهای معماران نسل دوم (آشتی دادن معماری مدرن با سنن و فرهنگ ایرانی) در ایران بود که هیچ گرایشی به جز آن، حداقل در پروژه‌های ملی که زیر نظر دولت به اجرا می‌رسید، جایی برای مطرح شدن نمی‌یافت. این معماران، به خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران (قبل از انقلاب اسلامی)، تحت تأثیر جنبش پست‌مدرن کلاسیسیسم (پومو) و معماری گذشته ایران (عمدتاً دوران اسلامی)، در صدد آن بودند که به معماری ایران عطر و بویی ایرانی بدهند و آنچه در این بین، از تریبون رسمی دولت نیز حمایت می‌کند، گرایش به معماری ایرانی - اسلامی (با نقش پُرنگ معماری ایران اسلامی) است. این گرایش عمدتاً ساختمان‌های مهم دولتی، که هزینه‌های آن از طریق نهادهای دولتی پشتیبانی می‌شود را در بر می‌گیرد.